

محرك‌های بصری به‌عنوان شاخصه‌ای از تربیت پنهان در مدرسه از منظر فقه تربیتی*

□ محمدکاظم شریفی**

□ مجید طرقي***

چکیده

معماری ویژه فضای آموزشی و طراحی مناسب ابعاد مختلف آن همواره از دغدغه‌های متخصصان و دلسوزان در عرصه تعلیم و تربیت بوده و هست که امروزه با عنوان محیط فیزیکی در حاشیه تربیت رسمی مورد توجه قرار دارد. در حقیقت محیط فیزیکی و مؤلفه‌هایی مانند محیط شناختی، اجتماعی، سازمانی که خارج از برنامه‌ریزی نظام آموزشی هستند و تأثیر بسزایی در یادگیری دارند را تربیت پنهان می‌نامند. ساختن بنا در یک مدرسه با توجه به مطالعه‌های صورت‌گرفته از محرك‌های بصری، معماری فضای آموزشی و فضای باز تشکیل شده است و این شاخصه‌ها در جهت ایجاد یک فضای آرام و دور از تشویش ذهنی برای یادگیری فعال و پویای تربیتی نقش مهمی ایفا می‌کنند و محرك‌های بصری، عنصری مهم در برانگیختن استعداد، توانایی‌ها و اخلاقیت تربیتی است که به رنگ، نور و پنجره تقسیم می‌شوند. اعتنا به مؤلفه‌هایی که در تعلیم و تربیت اثرگذارند

* تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۲/۵؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۵/۱۷.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده در جامعة المصطفی با عنوان «تربیت پنهان در مدرسه و نظام آموزشی از منظر فقه اسلامی» می‌باشد.

** گروه فقه تربیتی، مجتمع آموزش عالی فقه، جامعة المصطفی العالمیه، پاکستان (نویسنده مسئول): (kazimsharif83@gamil.com).

*** استاد حوزه و عضو هیأت علمی جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران: (Toroghimajid@gmail.com).

**** گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران: (snmosavi57@gmail.com).

بسیار مهم است. از طرفی عدم توجه متخصصان تربیت به این شاخصه‌ها، اهمیت پژوهش در این زمینه را دوچندان می‌کند از سویی دیگر نگاه حکم‌شناسی فقهی به شاخصه‌های محرک‌های بصری موجب تعیین وظیفه ناظران و مسئولان تربیت و به‌نوعی قانون‌سازی در عرصه‌ای می‌شود که متخصصان تعلیم و تربیت در توصیف و تحلیل آن با مشکل روبه‌رو هستند. پژوهش حاضر در جهت پاسخ به این پرسش است که دیدگاه فقه نسبت به محرک‌های بصری به‌عنوان شاخصه‌ای از تربیت پنهان در مدرسه چیست؟ این کنکاش با روش تحلیل و اجتهاد بر مبنای قرآن، منابع روایی و سیره به این نتایج دست یافت: رنگ‌آمیزی محیط فیزیکی مدرسه به رنگ زرد و سبز و آبی مستحب است، استفاده از نور و تعبیه پنجره براساس قاعده اعانه بر پر حکم استحباب را دارد. واژگان کلیدی: محیط فیزیکی، محرک‌های بصری، رنگ، نور، پنجره، حکم فقهی.

مقدمه

از زمانی که تعلیم و تربیت آغاز شد، دو عنصر مهم همگام هم در یادگیری نقش بسزایی ایفا کردند؛ نخست علم و دانشی که باید از مربی به متربی منتقل شود، دوم مؤلفه‌هایی که از منظر متربی پنهان اما در یادگیری اثرگذار بودند. عنصر اول مورد توجه متخصصان و دلسوزان تربیت بود، اما عنصر دوم یا مغفول ماند یا بسیار کم مورد توجه قرار گرفت. متخصصان تربیت از عنصر دوم با تعبیر «تربیت پنهان» یاد می‌کنند و اثرگذاری آن را در ضمیر ناخودآگاه متربی به‌قدری می‌دانند که سالیان سال در ذهن متربی خواهد ماند (بیان‌فر، ۱۳۸۹: ۵۸). تربیت پنهان قلمرو وسیعی دارد و مدرسه یکی از این حیطه‌ها می‌باشد. در حقیقت تربیت پنهان در مدرسه از عوامل متعددی مانند محیط شناختی، محیط اجتماعی، محیط فیزیکی و محیط سازمانی پدید می‌آید (مرزوقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۴) که بررسی تک‌تک این محیط‌ها از گنجایش این پژوهش خارج است. در این بین شاخصه محیط فیزیکی در فقه به‌هیچ عنوان مورد توجه نبوده است. شاید معماری اسلامی در دنیا مشهور باشد اما به‌صورت احکام تکلیفی نسبت به ساخت‌وساز و معماری بناها، کار فقهی صورت نگرفته است. در معماری مدرسه برخی مؤلفه‌ها در یادگیری بسیار اثرگذارند؛ مانند نور، رنگ،

پنجره، پرده، مقیاس کلاس، فضای باز و مانند این‌ها که امروزه متخصصان تربیت نسبت به این موارد با عنوان دکوراسیون داخلی آموزشی در حال نظریه‌پردازی‌اند. فقه تربیتی و فقه معماری دو رشته نوین علم فقهات، توانایی تبیین احکام تکلیفی این موارد را دارند. در منابع روایی توصیه‌هایی از ائمه معصومین علیهم‌السلام درباره محیط فیزیکی مشاهده می‌شود. چنان‌که معصوم می‌فرماید: «وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: الطَّيْبُ نُشْرَةٌ وَالْعَسَلُ نُشْرَةٌ وَالرُّكُوبُ نُشْرَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْخُصْرَةِ نُشْرَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۵۲۴).

محیط فیزیکی از مؤلفه‌های متعدد تشکیل شده که برخی از آن‌ها رابطه مستقیم با چشم و تحریک و برانگیختن مناسب و ملایم احساسات متربی دارد؛ چنان‌که انتخاب رنگ مناسب برای فضای کلاس موجب نشاط و شادابی متربی می‌شود و ایجاد چنین فضایی در مهیاسازی متربی برای یادگیری بدون شک اثرگذار است؛ همان‌طور که توصیف و تحلیل این مؤلفه‌ها، امروزه اهمیت پیدا کرده استخراج توصیه‌های فقهی آن نیز از منابع دینی، مهم به شمار می‌آید؛ زیرا فقه تعیین‌کننده تکلیف اعمال انسان در زندگی روزمره وی است و توصیه‌های عملی و دینی نیز در دانش فقه تجلی می‌یابد. ازاین‌رو کنکاش حاضر به دنبال تعیین حکم فقهی مؤلفه‌هایی خواهد بود که رابطه مستقیم با چشم و احساسات و یادگیری دارند.

مفهوم‌شناسی

تربیت پنهان

کلمه «تربیت» مصدر ثلاثی مزید از باب تفعیل می‌باشد که به‌معنای نظارت کردن، سرپرستی، پروراندن و به کمال شیء رساندن است (ابن‌اثیر، بی‌تا: ۲/۱۷۹؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۲/۶۳؛ واسطی ۱۴۱۴: ۵/۲). در یک تعریف کامل و جامع از اصطلاح تربیت می‌توان اذعان نمود که تربیت فرایند یاری‌رسانی به متربی جهت ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان برای شکوفاسازی استعدادهای متربی و رساندن وی به کمال انسانی در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به‌واسطه عامل انسانی دیگر صورت می‌پذیرد.

(اعرافی، ۱۳۸۸: ۲۸). تعبیر تربیت پنهان را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

تربیت پنهان یعنی تأثیرگذاری در فرایندی در حاشیه تربیت رسمی که با تغییر به صورت غیرآگاهانه (خارج از برنامه) بر مربی ایجاد می‌شود؛ یعنی مربی نسبت به تأثیرگذاری اهتمام و توجه ندارد و از این جهت پنهان است.

محرك‌های بصری

«محرك» در لغت اسم فاعل از ریشه حَرَك به معنای حرکت‌دهنده (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶۱/۳) در مقابل ساکن بودن است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۴۵/۲) و در فارسی به معنای حرکت‌دهنده (دهخدا، ۱۳۴۱: ۱۲/۱۷۹۹۰؛ معین، ۱۳۸۶: ۵۵۰) به کار برده می‌شود. بصری به هر آن چیزی که به چشم منسوب می‌شود، معنا شده است (صاحب بن‌عباد، بی‌تا: ۱۳۵/۸؛ دهخدا، ۱۳۴۱: ۳/۴۲۰۳). ترکیب دو مفهوم محرك‌های بصری، به هر تحریک‌کننده‌ای که باعث حرکت و اثرگذاری در چشم بشود گفته می‌شود. یکی از مواردی که در محرك‌های بصری مهم قلمداد می‌شود رنگ به کاررفته در ساختمان است. رنگ فضای آموزشی اگر مناسب متریان باشد موجب نشاط روحی، شادابی و افزایش تلاش متریان می‌شود که یادگیری پویایی را به همراه خواهد داشت (نوید ادهم، ۱۳۷۵: ۹۸). از طرفی رنگ، نقش زمینه‌ساز سازگاری مربی با محیط و فضای آموزشی را ایفا می‌کند که نتیجه آن در آزمون هوش و تسریع در یادگیری کاملاً مشهود و مؤثر بوده است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۹۸). همچنین اگر نور شرایط مناسبی نداشته باشد موجب ضعف در عملکرد و فعالیت‌های آموزشی می‌شود (Steven Edward Higgins, 2005: 20). بهترین نور برای انسان، نور طبیعی است که مهم‌ترین ویژگی آن تغییر و تحول نور در طول روز است (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۱۵). پنجره نیز علاوه بر اجازه ورود نور طبیعی باعث افزایش دید می‌شود. چنان‌که نتایج پژوهشی گویای این بود که کارگرانی که در روسیه و چکسلواکی در کارخانه‌های بدون پنجره مشغول به کار بودند نسبت به کسانی که در کارخانه‌های دارای پنجره کار می‌کردند بیشتر دچار بیماری‌هایی مانند سر درد و بی‌حالی می‌شدند (Plant, C. G. H, 1970: 47). برخی معتقدند پنجره، احساسات، عواطف و روان

ساکنان ساختمان را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (مسعودی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۸). علاوه بر ضرورت، مکان تعبیه پنجره نیز مهم است؛ یعنی پنجره می‌بایست طوری تعبیه شود که امکان رؤیت منظره طبیعی را داشته باشد: «مطالعات اولیه در خصوص مزایای جسمی- روانی دید به طبیعت، توسط اولریک در محیط‌های درمانی انجام شد که نشان داد دید به فضاهاى سبز، برخلاف دید به دیوار آجری، آثار مثبت در روند بهبود از بیماری دارد. وی اظهار می‌دارد که مناظر طبیعی می‌توانند موجب بهبود سریع‌تر و کامل‌تر از استرس حاد شوند و از استرس مزمن جلوگیری کنند» (Ulrich r.s, 1984:420,421)، بنابراین پنجره نیز در بین مؤلفه‌های محرك‌های بصری قرار می‌گیرد. محرك‌های بصری براساس مطالعاتی که انجام شد از سه عنصر رنگ، نور و پنجره تشکیل شده است.

۱. رنگ در کلاس و مدرسه از منظر فقه تربیتی

رنگ به‌کاررفته در ساختمان باعث ایجاد نشاط روحی و روانی و ذهنی متری می‌شود و در حقیقت وی را از حیث روحی و روانی مهبای کسب دانش و علم‌اندوزی می‌کند. در این بخش بررسی خواهیم کرد که از منظر فقه تربیتی کدام رنگ برای محیط آموزشی مناسب است؟

۱-۱. رنگ زرد

رنگ زرد از جمله رنگ‌هایی است که خداوند به‌صراحت تأثیر روان‌شناختی آن را بیان می‌فرماید: «إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ» (بقره: ۶۹). در این آیه دستور داده شده، گاوی به‌رنگ زرد انتخاب کنند، اما مقصود شارع کدام نوع رنگ زرد است؟ شارع با بیان صفت «فاقع» برای رنگ زرد درصدد تفهیم مقصود خویش است. برخی «فاقع» را به‌معنای زردی که رنگ آن خالص زرد باشد دانسته‌اند (طریحی، ۱۴۱۶: ۴/۳۷۶). در تفسیر الدر منثور، نافع بن ارزق از عبدالله بن عباس نسبت به مفهوم «صفراء فاقع» سؤال می‌کند که در جواب، ابن عباس تصریح می‌کند «مقصود از صفراء فاقع، رنگ زرد روشن است» (سیوطی، ۱۱۴۰۴: ۷۸). بنابراین مفهوم صفراء فاقع در مورد زرد روشن و زرد خالص مورد شد و برای تعیین یکی

از این دو رنگ بایستی به قرائن دیگر رجوع کرد. یک قرینه این است که اهل لغت برای «فقع» یک اصل واحد ذکر کرده‌اند که سایر معانی از آن اتخاذ می‌شود و آن رنگ زردی است که نباید روشنی یا رنگ دیگری در آن دیده شود (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۴۱/۹). قرینه دوم، جمله «لَا شَيْءَ فِيهَا» (بقره: ۷۱) است؛ یعنی رنگ رزد به گونه‌ای باشد که هیچ اثری از رنگ دیگر حتی سفید هم در آن نباشد تا جلوه زرد روشن را داشته باشد. بنابراین مقصود شارع از «صفراء فاقع» در آیه قرآن زرد خالص است. اما چرا باید زرد خالص را انتخاب کرد؟ زیرا این رنگ سبب خرسندی می‌شود. بنابراین ادخال سرور در بیننده از خصایص این رنگ است.

اکنون با دو مقدمه می‌توان حکم فقهی آن را استنباط کرد: یک) آیه قرآن تصریح دارد رنگ زرد موجب شادی در بیننده است؛ مسئولان یا ناظران تربیت با رنگ‌آمیزی فضای آموزشی به رنگ زرد، اسباب ایجاد سرور و نشاط در متربی را ایجاد می‌کنند و این براساس روایت صحیح، مصداق ادخال سرور در مؤمنین است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ لَا يَرَى أَحَدُكُمْ إِذَا أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا أَنَّهُ عَلَيْهِ أَدْخَلَهُ فَقَطْ بَلْ وَاللَّهِ عَلَيْنَا بَلْ وَاللَّهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۹/۲). بنابراین رنگ‌آمیزی به رنگ زرد از باب ادخال سرور در مؤمنین استحباب دارد. دوم) مسرت بخشی نگاه کردن به رنگ زرد اختصاص به گاو بنی اسرائیل ندارد؛ زیرا روایات متعددی وجود دارد که رنگ زرد در غیر گاو بنی اسرائیل نیز موجب مسرت است؛ چنان‌که در مورد استفاده از نعل به رنگ زرد امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَبَسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ لَمْ يَزَلْ يَنْظُرُ فِي سُورٍ مَا دَامَتْ عَلَيْهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶۶/۶) و روایات متعدد دیگر که گویای آن است مسرت بخشی در نگاه کردن به رنگ زرد اختصاص به گاو بنی اسرائیل ندارد و در حقیقت با الغای خصوصیت می‌توان حکم استحباب را به فضای آموزشی تعمیم داد و گفت استفاده از زرد خالص در فضای آموزشی استحباب دارد.

ممکن است حکم استحباب رنگ زرد در کلاس با برخی احادیثی مانند لباس نوزاد،

لباس نمازگزار که در آن استفاده رنگ زرد مکروه شمرده شده، در تعارض باشد. دو پاسخ از این اشکال می‌توان ارائه نمود: نخست این که حکم استحباب رنگ زرد در مطلق رنگ‌های زرد نیست؛ بلکه استحباب فقط در مورد زرد خالص است. چنان‌که در آیه قرآن، «بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا» وارد شده است. اما در روایت کراهت فقط لفظ «صفراء» ذکر شده است و بر این اساس می‌توان اذعان نمود موضوع دو حکم استحباب و کراهت متفاوت است، پس تعارضی میان آن‌ها نیست. دوم این که اگر کراهت رنگ زرد محدود به مواردی مانند پارچهٔ بچه و لباس نمازگزار و کفن باشد در آن صورت حکم زرد در البسه و پوشاک را می‌توان از سایر موارد متمایز کرد. به این معنا که موارد کراهت رنگ زرد مختص به البسه و پوشاک است و فضای آموزشی غیر از البسه و پوشاک است.

۲-۱. رنگ سبز

اولین دلیل جهت بررسی حکم فقهی رنگ سبز، آیه قرآن است: «أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِلِ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ» (نمل: ۶۰). جهت استنباط حکم باید نکاتی را مورد توجه قرار داد: یک) مقصود از تعبیر «حدائق ذات بهجة» چیست؟ آیا باغ‌ها از حیث بو و طروات یا از حیث نگریستن زیبا هستند؟ مفهوم واژه «بهجت» قرینه است؛ زیرا اهل لغت بهجت را به معنای رنگ زیبا بیان نموده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۳۹۴) به این معنا که باغ‌ها رنگ زیبایی دارند و این ظهور دارد که رنگ سبز از حیث نگریستن در قرآن نشاط‌آور است. دو) در منابع روایی همگی رنگ سبز پیام‌آور مثبت است (کهف: ۳۱؛ امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹: ۵۲۲). اما بیشتر روایات سند معتبر ندارند که با تمسک به قاعدة «ضم احادیث ضعاف» وثوق خبری ممکن می‌شود. به عبارتی تعدد اخبار ضعیف‌السند که در آن نگاه به رنگ سبز توصیه شده است، نوعی ارتکاز ایجاد می‌کند؛ مانند این که امام کاظم علیه السلام سه چیز را باعث روشنی چشم می‌داند، یکی از آن‌ها نگاه کردن به سبزه است (ابن بابویه،

۱۳۶۲: ۱/ ۹۲). در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام شادابی در ده چیز نهفته شده که یکی از آن‌ها نگرستن به سبزه است (برقی، ۱۳۷۱: ۱/ ۱۴). در این روایات منظور از نگرستن به «الخضرة» یا همان سبزه‌زار در حقیقت به نوعی اشاره به رنگ سبز موجود در سبزه‌زار است. به عبارتی رنگ سبز سبب نشاط و شادابی است، و بر همین اساس حکم استحباب را می‌توان بر مبنای محبوبیت و مطلوبیت این عمل نزد شارع، استنباط کرد. سه) با توجه به این که وجه خوش منظری و زیبایی باغ، رنگ سبز بیان شد، می‌توان با الغای خصوصیت، این مطلوبیت را تعمیم داد که فضای آموزشی را نیز شامل شود. تغییر و تحولی که رنگ سبز در روحیه انسان ایجاد می‌کند یک تغییر مثبت است و از طرفی مضمون روایات، مانند دو روایت زیر، با تعبیر مختلفی به این مطلب اشاره دارد:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَرْبَعُ يُضَيِّنُ الْوَجْهَ النَّظَرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ وَ النَّظَرُ إِلَى الْمَاءِ وَ النَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ وَ الْكُحْلُ عِنْدَ النَّوْمِ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/ ۲۳۷). عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَجْلِيْنَ الْبَصَرَ النَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ وَ النَّظَرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَ النَّظَرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/ ۹۲).

بنابراین ثابت می‌شود که نگرستن به رنگ سبز حتی در فضای آموزشی نزد شارع مطلوبیت دارد و از این محبوبیت و مطلوبیت نزد شارع می‌توان استحباب را به طور مطلق (در مربی و متربی) استنباط کرد.

۳-۱. رنگ آبی

در روایتی از توحید مفضل آمده است که امام صادق علیه السلام نگاه به رنگ آبی برای بینایی مفید است: «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ... فَكَرَّ فِي لَوْنِ السَّمَاءِ وَ مَا فِيهِ مِنْ صَوَابِ التَّدْبِيرِ فَإِنَّ هَذَا اللَّوْنَ أَشَدُّ الْأَلْوَانِ مُوَافَقَةً وَ تَقْوِيَةً لِلْبَصَرِ حَتَّى إِنَّ مِنْ صِفَاتِ الْأَطِبَّاءِ لِمَنْ أَصَابَهُ شَيْءٌ أَضَرَّ بِبَصَرِهِ إِذْ مَانَ النَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ» (مفضل بن عمر، بی‌تا: ۱۲۷). در سند این روایت نام محمد بن سنان زاهری و مفضل بن عمر جعفی ذکر شده که محمد بن سنان توسط کشی ممدوح و صحیح المذهب معرفی شده است (کشی، ۱۴۰۹: ۵۰۴).

اما نجاشی وی را مذمت می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۲۸). همین رویه در مورد مفضل بن عمر جعفری نیز وجود دارد؛ چنان‌که در مدح وی حدیثی از معصوم را ذکر نموده‌اند (کشی، ۱۴۰۹: ۳۲۱؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۱/ ۹۲) و در ذم وی نیز اقوالی ذکر کرده‌اند (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۱/ ۸۸). با توجه به قرائن، صحت سند ممکن به نظر نمی‌آید اما قرآینی وجود دارد که به وثوق خبری می‌رسد. قرینه اول این است که متن حدیث توحید مفضل در واقع پیوستی به مناظره ابن ابی‌العوجاء بصری با مفضل بوده است و در منابع روایی مناظره‌هایی بین ابن ابی‌العوجاء و امام صادق علیه‌السلام بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۷۴-۷۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/ ۳۳۴ - ۳۳۶) که برخی از مضامین آن با متن حدیث توحید مفضل شباهت دارد و می‌توان اسناد آن روایات را برای روایت توحید مفضل هم ذکر نمود. قرینه دوم این است که برخی از بزرگان مانند علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳/ ۵۶) و ابن‌طاووس، (۵۰) معتقدند که متن روایت با قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام یکی است و خلاف آن نمی‌باشد. قرینه سوم این است که اخبار وارده در ذم مفضل و محمد بن سنان از نظر برخی مورد اعتماد و وثوق نیست؛ زیرا خفقان حکومت عباسی در زمان امام صادق علیه‌السلام به میزانی بود که امام برای نجات نزدیکان خود، آنان را متهم می‌کرد و از این رو احادیث ذم مفضل و ابن‌سنان را باید حمل بر تقیه کرد (میرزایی، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۴). بنا بر قرائن ذکرشده، متن حدیث صحیح و معتبر است.

برای استنباط حکم از این روایت باید به نکاتی توجه شود. نخست این‌که در روایت تصریح به رنگ آبی نشده اما تعبیر موجود در حدیث مانند دعوت معصوم علیه‌السلام به تفکر در مورد رنگ آسمان، اشاره به رنگ آبی دارد. مانند این‌که رنگ آبی را سازگارترین رنگ‌ها با چشم می‌داند و این‌که رنگ آبی موجب تقویت نور در چشم بیننده می‌شود. دوم آن‌که امام مفضل را دعوت به تفکر در مورد رنگ آبی می‌کند که این بیانگر آثار و ویژگی‌های نگرستن به رنگ آبی و این گویای مطلوبیت نگرستن به رنگ آبی نزد شارع است. نکته سوم این‌که با دو دلیل، محبوبیت مطلق نگرستن به رنگ آبی نزد شارع ثابت می‌شود: اولاً مورد پسند واقع شدن فعلی نزد شارع بر یک حکم فقهی دلالت دارد؛ ثانیاً تعبیر امام که فرمود «فکر فی

لَوْنِ السَّمَاءِ» به نوعی اشاره به مطلوبیت رنگ آبی آسمان نزد شارع است. اما در فقره بعدی امام می‌فرماید «فَإِنَّ هَذَا اللَّوْنَ أَشَدُّ الْأَلْوَانِ» و با این بیان تصریح می‌کند که مقصود فقط رنگ آبی است و آسمان و فضا موضوعیت ندارد. از این رو مطلوبیت نگرستن به رنگ آبی مقید به آسمان نیست. بر همین اساس هر حکمی که استنباط شود برای رنگ آبی در فضای آموزشی نیز جریان دارد.

نکته چهارم، توصیه امام علیه السلام به جهت نگرستن به رنگ آبی دلیلی بر محبوبیت این فعل نزد شارع است اما با قرآینی این محبوبیت بر استحباب دلالت می‌کند؛ نخست این که احکام براساس ادله عقلی و نقلی تابع مصالح و مفاسد است و امام مصالح نگرستن به رنگ آبی را که برای انسان منفعت دارد بیان نموده و در استیفای این مصالح از موجبات استحباب است. در ثانی، بیان معصوم به صورت امری (فَکَر) است که نوعی مصلحت ترجیحی را به همراه دارد و از این مصلحت ترجیحی نیز حکم استحباب استنباط می‌شود.

نکته پنجم این است که با توجه به قاعده «اعانت بر بر» نیز استحباب رنگ آمیزی فضای آموزش به رنگ آبی ثابت می‌شود؛ زیرا نگرستن به رنگ آبی عملی پسندیده نزد شارع است و ناظران و مسئولان تربیت با رنگ آمیزی به متریان کمک می‌کنند تا بتوانند به آن بنگرند.

جمع بندی

در بررسی حکم فقهی رنگ که یکی از محرک‌های بصری است، سه رنگ زرد، سبز و آبی مورد توجه قرار گرفت و اگر رنگ‌های دیگر مورد بررسی قرار نگرفت علت آن عدم ذکر رنگ‌های دیگر در منابع روایی و سایر ادله بود و از سویی حکم برخی رنگ‌ها مانند سفید و سیاه نیز مشخص بود. پس از بررسی این نتیجه حاصل شد که استفاده از رنگ زرد، سبز و آبی مستحب است و مکلف یا ناظران تربیت مختارند که هر کدام از این رنگ‌ها را برای فضای آموزشی استفاده کنند و این رنگ‌ها با یکدیگر تعارض هم ندارند؛ زیرا امثال هریک از این رنگ‌ها الزامی ندارد تا با مخالفت یکی از آن‌ها، مکلف مستحق عقاب شود. در نگاه

آموزه‌های دینی برای این سه رنگ ویژگی‌هایی بیان شده که در فرایند و فعالیت‌های روزمره انسان و همچنین بر فعالیت‌های آموزشی متربیان تأثیر خود را به‌خوبی ایفا می‌کند؛ در نتیجه حکمی که برای رنگ‌آمیزی فضای آموزشی به سه رنگ زرد خالص، آبی و سبز از این ادله قابل استنباط است، استحباب می‌باشد.

۲. نور در کلاس و مدرسه از منظر فقه تربیتی

نور با ایجاد محیطی امن و دور از افسردگی و خواب‌آلودگی، یکی دیگر از شاخصه‌های تأثیرگذار محرک‌های بصری در تعلیم و تربیت است. اگر نور لازم برای مربی فراهم گردد موجب ترغیب مربی در انجام فعالیت‌های آموزشی می‌شود. در این بخش ادله فقهی درباره فراهم نمودن نور مناسب برای محیط فیزیکی آموزش بررسی خواهد شد.

۱-۲. موثقه اسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْ يَدْخُلَ بَيْتًا مُظْلِمًا إِلَّا بِمُصْبَاحٍ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳۱/۶). در سلسله سند این روایت نام چهار راوی مشاهده می‌شود. راوی اول و دوم موثق و امامی می‌باشند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۶/۲۶۰). اما در مورد حسین بن یزید النوفلی برخی گفته‌اند که وی در اواخر عمر غالی شده اما مرحوم نجاشی این اتهام را نپذیرفته است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸). در رجال شیخ طوسی و برقی نام وی در شمار اصحاب امام رضا عليه السلام قرار دارد (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۵۵؛ برقی، ۱۳۸۳: ۵۴). بر همین اساس به روایت وی عمل می‌شود. راوی آخر السکونی با آن‌که شیعه نیست (علامه حلی، ۱۳۸۱: ۱۹۹) علمای شیعه به روایات وی عمل می‌کرده‌اند و مرحوم خوئی نیز به همین مطلب اذعان نموده است (خوئی، بی‌تا: ۲۲/۴). ازاین‌رو وثاقت وی قابل خدشه نیست. بنابراین سند روایت معتبر و موثقه خواهد بود.

اکنون جهت استنباط حکم فقهی، نکاتی مورد توجه قرار می‌گیرد. نکته نخست دلالت ماده «نهی» بر حرمت است که در روایت با هیأت فعل ماضی از زبان امام صادق عليه السلام آمده و

این که آیا ماده نهی ظهور در حرمت دارد یا نه. ماده نهی براساس دلالت عقلی الزام در ترک را می‌رساند؛ بدین سبب ماده نهی ظهور در حرمت دارد (المظفر، ۱۳۷۰: ۱/ ۹۵). از طرفی حکم مستنبط از این روایت ارشادی است؛ زیرا عقل انسان این احتمال را می‌دهد که شاید در اتاق خطری مانند حضور سارق یا مار یا آسیب دیگری باشد اما روشن کردن چراغ، تمام آسیب‌هایی را که ممکن است از تاریکی به انسان وارد شود فع می‌کند. نکته دوم این که در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیست و چهار خصلت مکروه دانسته شده و یکی از آن‌ها ورود به خانه تاریک بدون چراغ است: «وَكَمْ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ الْبَيْتَ الْمُظْلِمَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ سِرَاجٌ أَوْ نَارٌ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲/ ۵۲۱). این روایت از حیث سندی به علت حضور عبدالله بن الحسین بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام ضعیف است؛ زیرا در مورد عبدالله هیچ مدح و ذمی وارد نشده اما در این حدیث، معصوم قبل از این فقره، بیست و چهار خصلت را بیان کرده که تمام آن‌ها کراهت دارد و بیشتر این خصلت‌ها در روایات صحیح‌السند وارد شده است. با توجه به این نکته و با تمسک به این روایات صحیح‌السند، ممکن است سایر خصلت‌ها نیز منقول از معصوم بوده باشد و در واقع از باب وثوق خبری، سند روایت معتبر شمرده شود. علت این که حکم کراهت داده شد این است که معصوم به صراحت از واژه «كَرِهَ» استفاده کرده و این امکان وجود دارد در احادیثی که در آن‌ها لفظ نهی آمده با توجه به این روایت، مقصود واقعی معصوم همان کراهت باشد و در این صورت حکم مستفاد از موثقه سکونی، کراهت خواهد بود. نکته سوم این که در موثقه سکونی، معصوم به صورت مطلق وارد شدن به هر خانه تاریک را مکروه دانسته است و این شامل کلاس درس نیز می‌شود. از این رو ورود به کلاس تاریک کراهت دارد. علاوه بر این در فضای آموزشی مرتبی به قصد یادگیری وارد می‌شود و این قصد یک مرتبه از صرف ورود به بیت بالاتر است. بنابراین می‌توان عدم وجود نور در فضای آموزشی را دارای کراهت شدید دانست. نکته چهارم این که براساس حرمت اعانه بر اثم، مسئولان و ناظران تربیت باید مانع ورود متریبان به فضاهای آموزشی بدون نور کافی بشوند.

۲-۲. روایت عیسی بن احمد بن عیسی بن منصور

حدیثی وارد شده که در آن روشن کردن چراغ زیر نور خورشید، عملی عبث و بیهوده محسوب شده است: «الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيُّ فِي مَجَالِسِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْفَخَّامِ عَنِ الْمَنْصُورِيِّ عَنْ عَمِّ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ وَاحِدًا وَاحِدًا: قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام خَمْسٌ تَذْهَبُ صَيَاعًا سِرَاجٌ تَقْدَهُ فِي شَمْسِ الدُّهْنِ يَذْهَبُ وَ الضَّوُّ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/۳۰۲). سند این روایت به‌علت عدم مدح و ذم محمد بن احمد بن عبیدالله منصور و عیسی بن احمد بن عیسی منصوری با مشکل روبه‌روست.

اما از لحاظ دلالت روشن نکردن چراغ با وجود نور خورشید را اسراف در روغن چراغ دانسته است؛ زیرا روشنایی خورشید وجود دارد. روایات در باب منع از اسراف به حد تواتر معنوی است؛ از این رو با این استناد که روشن کردن چراغ با وجود نور خورشید مصداقی از اسراف است به وثوق خبری می‌رسیم.

حجت رسیدن به حکم نکات ذیل باید مورد توجه قرار بگیرد. نخست این که متخصصان تربیت وجود نور خورشید در فضای آموزشی را از آن جا که باعث از بین رفتن فضای خواب آلودگی و موجب نشاط و شادابی تربیتی می‌شود در یادگیری تأثیرگذار می‌دانند (حاجی سیدجواد، ۱۳۸۷: ۷۳). اما حدیث، علت اکتفا به نور خورشید را جلوگیری از اسراف می‌داند؛ بنابراین در علت کفایت به نور خورشید، نگاه متخصصان تربیت با نگاه روایت متفاوت است اما در اکتفا به نور خورشید هر دو دیدگاه مشترک‌اند و از این باب امکان استناد به این حدیث در این عنوان ممکن می‌شود. نکته دوم این که در عصر حاضر بحث روغن چراغ منتفی است و ممکن است گمان بشود این روایت برای امروز کارآمد نیست، اما باید اذعان نمود که تکیه‌گاه حدیث همان اسراف است که در زمان حاضر در مصرف انرژی برق قابل تطابق است و بنابراین مفاد روایت قابل استفاده است.

نکته سوم این که حکم اسراف برای روشن کردن چراغ با وجود نور خورشید مسلم است؛ در

واقع دلیل شمول فضای آموزشی در حکم روایت اولاً اطلاق حدیث و ثانیاً اطلاق حکم اسراف است. چهارمین نکته قابل توجه در این جا آن است که اگر به همین حدیث اکتفا شود فقط کراهت روشن کردن چراغ با وجود نور خورشید از آن قابل استنباط است؛ زیرا معصوم در روایت این عمل را ضیاع دانسته است و ضیاع بار معنایی منفی دارد (ابن فارس، ۱۹۷۹: ۳/۳۸۰) و ضیاع بر کراهت دلالت می کند اما با توجه به قرائن منفصله، حکم مستفاد حرمت است؛ زیرا اولاً فقهاء حکم به حرمت اسراف داده اند (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/۴۴۰)، ثانیاً روایات متعددی وجود دارد که در آن اسراف با صیغه نهی و در هیأت انشائی وارد شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۵۰۱). با توجه به اصل تعادل و میانه روی و عدم اسراف، حدیث بیانگر این است که کالبد فضای آموزشی باید به گونه ای مدل سازی شود که از نور آفتاب، استفاده بهینه صورت بگیرد. مانند این که تعبیه در و پنجره در جایگاهی باشد که امکان بهره گیری مناسب از نور طبیعی را فراهم کند.

جمع بندی

با توجه به هر دو روایت، اولاً نور برای ساختمان ضروری است و بدون نور وارد ساختمان تاریک شدن کراهت دارد. ثانیاً درباره موثقه بیان شد که طبق ظاهر حدیث، صرف نشستن در اتاق یا منزلی که نور ندارد کراهت دارد اما در مورد اتاقی که در آن درس خوانده می شود مانند فضای آموزشی این کراهت کمی بیشتر است؛ زیرا وقتی صرف نشستن در اتاق مکروه است با استناد به قاعده اولویت، ورود مرتبی به اتاقی که علاوه بر نشستن، فراگیری دانش نیز در آن صورت می گیرد کراهت شدیدتری باید داشته باشد؛ زیرا بدون نور خواه نور چراغ یا نور طبیعی، درس خواندن مشکل است. اما اگر درسی باشد که به نور نیازی نداشته باشد در آن صورت فقط مکروه است و کراهت شدید وجود ندارد. ثالثاً ناظران تربیت باید نور لازم برای فضای آموزشی فراهم کنند. البته این وظیفه ناظران، مسئولان تربیت یا مربیان از باب مقدمه واجب نیست؛ زیرا در مقدمه واجب باید هر دو عمل را یک مکلف انجام دهد؛ در

این‌جا فراهم‌آوردن نور وظیفه مربیان و استفاده از نور برای متریبان است. فراهم‌آوری نور برای فضای آموزشی از باب اعانه بر نیکی، وظیفه ناظران تربیت است. رابعاً روایت دوم بیانگر این است که در صورت امکان از نور خورشید یا نور طبیعی استفاده شود و در صورت وجود نور طبیعی استفاده چراغ از باب اسراف حرام است. علاوه‌براین، روایت گویای آن است که در طراحی ساختمان و فضای آموزشی باید به‌گونه‌ای اقدام کرد که امکان استفاده از نور طبیعی برای متریبان فراهم باشد.

۳. پنجره در کلاس و مدرسه از منظر فقه تربیتی

قراردادن پنجره در ساختمان‌های مختلف به‌ویژه در فضای آموزشی باعث ورود نور و وسعت نگاه کسانی خواهد بود که در آن ساختمان زندگی می‌کنند. طراحی ساختمان به‌صورتی که هیچ منظره یا منفذی جهت خروج و ورود هوا یا نور نداشته باشد در اسلام جایز نیست؛ زیرا معصوم از ورود به داخل اتاق یا خانه تاریک نهی نموده است؛ چنان‌که در بررسی حکم فقهی نور، استدلال آن بیان شد. در این بخش حکم فقه را در مورد پنجره در ساختمای و فضای آموزشی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱. فقره اول از روایت مفضل بن عمر جعفی

توحید مفضل حدیثی است که از چهار مجلس تشکیل شده است و در فقره اول آن امام علیه السلام از مفضل دعوت می‌کند که فکر کند: «فَكَّرْ يَا مُفَضَّلُ فِي طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ غُرُوبِهَا لِإِقَامَةِ دَوْلَتِي النَّهَارِ وَاللَّيْلِ فَلَوْلَا طُلُوعُهَا لَبَطَلَ أَمْرُ الْعَالَمِ كُلِّهِ فَلَمْ يَكُنِ النَّاسُ يَسْعَوْنَ فِي مَعَاشِهِمْ وَ يَتَصَرَّفُونَ فِي أُمُورِهِمْ وَ الدُّنْيَا مُظْلَمَةٌ عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَكُونُوا يَتَهَنَّوْنَ بِالْعَيْشِ مَعَ فَقْدِهِمْ لَذَّةِ النُّورِ وَ رَوْحَهُ وَ الْإِزْبُ فِي طُلُوعِهَا ظَاهِرٌ مُسْتَعْنٍ بِظُهُورِهِ عَنِ الْإِطْنَابِ فِي ذِكْرِهِمُ وَ الزِّيَادَةِ فِي شَرْحِهِ» (مفضل بن عمر، ۱۲۸). سند این روایت در مبحث رنگ آبی از محرك‌های بصری بررسی و معتبر شمرده شد.

در این‌جا چند نکته باید مورد بررسی قرار بگیرد. نخست این‌که امام فواید و مصالح دنیوی

نور و خورشید را برمی‌شمارد؛ مانند این‌که نور خورشید موجب حرکت مردم برای انجام کارهای روزمره جهت معیشت آنان می‌شود «فَلَمْ يَكُنِ النَّاسُ يَسْعَوْنَ فِي مَعَايِشِهِمْ». از طرفی امام با عطف کردن جمله «وَيَتَصَرَّفُونَ فِي أُمُورِهِمْ» به جمله ما قبل درصدد اشاره به این است که اگر طلوع خورشید و نور نمی‌بود مردم برای انجام کارهای روزمره خود تلاش نمی‌کردند و یکی از همین کارها فراگیری دانش و علم اندوزی است. به عبارتی اگر نور نباشد مرتبی به دنبال فعالیت‌های آموزشی نخواهد بود و در فقره بعدی امام ارشاد می‌کند که تاریکی برای مردم گوارا نیست. در واقع نور با ایجاد نشاط، شادابی و طراوت موجب انگیزه‌دهی برای شخص می‌شود تا فعالیت را بهتر انجام بدهد. دوم این‌که ساخت فضای آموزشی کاملاً بسته و بدون منافذی مانند پنجره برای ورود نور، طبق این حدیث ناپسندیده است؛ زیرا با تعبیه یکی از عوامل ورود نور مانند پنجره، مرتبی برای فراگیری دانش شوق و شغف پیدا می‌کند. سوم آن‌که فضای آموزشی براساس این روایت نباید تاریک باشد. به عبارتی اطلاق روایت این اجازه را می‌دهد که روشن گذاشتن کلاس درس را شامل همان مصالح و فوایدی بدانیم که در روایت به آن‌ها اشاره شده است. نکته چهارم این‌که وقتی نور و استفاده از آن جایز باشد تعبیه ابزار و مقدماتی مانند پنجره که سبب ورود نور می‌شود نیز جایز است. اما در استدلال به مقدمیت اشکالی وارد است؛ زیرا در باب مقدمیت، مقدمه و ذی‌المقدمه را باید یک مکلف انجام بدهد و بدین‌صورت اشکالی بر مقدمیت وارد نخواهد شد. در مسأله مورد بحث استفاده از نور را مرتبی انجام می‌دهد و تعبیه پنجره بر عهده ناظران و مسئولان تربیت است. ازاین‌رو از دریچه مقدمیت نمی‌توان استدلال کرد. برای رفع این اشکال باید از طریق قاعده اعانه بر نیکی ورود کرد. در واقع مکلف علاوه بر این‌که یک وظیفه شخصی دارد، وظیفه اجتماعی نیز دارد و قاعده اعانه بر نیکی به معنای کمک کردن به دیگران در انجام کارهای نیک است که روایات متعددی برای اثبات آن وجود دارد و سند آن‌ها صحیح و معتبر است. این قاعده در بحث تعبیه پنجره قابل جریان است؛ زیرا ناظران تربیت با ساخت پنجره در فضای آموزشی به متریان کمک می‌کنند تا از نور طبیعی بهتری استفاده کنند. پنجمین نکته این‌که

استفاده از نور کاری پسندیده است و نصب ابزاری که سبب استفاده از نور بشود چنان‌که تبیین شد در ذیل قاعده اعانه بر نیکی قرار می‌گیرد. بنابراین حکم قاعده اعانه بر نیکی در این جا جریان دارد و تعبیه پنجره در فضای آموزشی برای ناظران و مسئولان تربیت از باب اعانه بر نیکی مستحب است.

۲-۳. فقره دوازدهم از روایت مفضل بن عمر جعفی

در مجلس سوم از حدیث توحید مفضل، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَحَسْبُكَ بِهَذَا النَّسِيمُ الْمُسَمَّى هَوَاءَ عِبْرَةً وَمَا فِيهِ مِنَ الْمَصَالِحِ فَإِنَّهُ حَيَاةُ هَذِهِ الْأَبْدَانِ وَالْمُمْسِكُ لَهَا مِنْ دَاخِلٍ بِمَا يَسْتَشْقُ مِنْهُ مِنْ خَارِجٍ بِمَا يُبَاشِرُ مِنْ رَوْحِهِ وَفِيهِ تَطَرُّدُ هَذِهِ الْأَصْوَاتِ فَيُؤَدِّي الْبُعْدُ الْبُعِيدَ» (مفضل بن عمر، ۱۴۱). سند این روایت بررسی شده و معتبر است اما در دلالت این روایت باید نکاتی مورد توجه قرار بگیرد. نکته اول این‌که در این فقره امام به منافع و مزایا و مصالح هوا یا نسیم اشاره می‌فرماید. تعبیر ایشان «وَمَا فِيهِ مِنَ الْمَصَالِحِ فَإِنَّهُ حَيَاةُ هَذِهِ الْأَبْدَانِ» است و یکی از این فواید، وابستگی حیات بدن به هواست. اما حیات بدن چه وابستگی به هوا دارد؟ امام می‌فرماید: «الْمُمْسِكُ لَهَا مِنْ دَاخِلٍ بِمَا يَسْتَشْقُ مِنْهُ مِنْ خَارِجٍ بِمَا يُبَاشِرُ مِنْ رَوْحِهِ»؛ یعنی با دم و بازدم روح انسان از آن بهره می‌برد. امام در این روایت اهمیت هوا و مصالح دنیوی آن را می‌شمارد و این‌که اگر هوا نباشد فعالیت روزمره زندگی با مشکل مواجه است. یکی از این فعالیت‌ها فراگیری دانش است. در حقیقت هوا یا نسیم روح‌بخش، انسان را شاداب و باانگیزه می‌کند. دوم این‌که از نگاه این حدیث اگر فضای آموزشی به‌گونه‌ای ساخته شود که در آن هیچ نوع منفذی برای ورود هوا وجود نداشته باشد، این نوع ساخت‌وساز نزد شارع محبوبیتی ندارد؛ بلکه موجب به خطر افتادن زندگی انسان می‌شود؛ زیرا امام حیات انسان را مشروط به استنشاق هوا و عمل دم و بازدم می‌کند و عقل نیز آن را کاملاً می‌پذیرد. براین اساس باید منفذی جهت تهویه هوا تعبیه شود و یکی از این منافذ می‌تواند پنجره جهت ورود و خروج هوا باشد.

نکته سوم این که روایت، به صورت مطلق وارد شده و امام مزایا و مصالح هوا را فقط در فضاهای باز مقید نکرده‌اند و این اطلاق، فضا و کالبد آموزشی را نیز شامل می‌شود. چهارمین مطلب این که موضوع حدیث، محاسن و مزایای هواست و مسأله مورد بحث تعیین حکم تعبیه پنجره در کالبد و فضای آموزشی است. آنچه این دو مسأله را به یکدیگر مربوط می‌کند چیست و حکم مستفاد چه می‌تواند باشد؟ با استناد به قاعده اعانه بر نیکی، حکم تعبیه پنجره در فضای ساختمان آموزشی مشخص می‌گردد. پس در ابتدا باید نیکی و برّ مشخص شود. در تشریح این مطلب می‌توان گفت بیان مصالح و محاسن هوا کاشف از محبوبیت این عمل نزد شارع است و این محبوبیت همان نیکی و برّ و همچنین بیانگر حکم جواز، بلکه یک رتبه بیشتر یعنی استحباب است. حتی اگر ادعا شود که استفاده از هوا واجب است امری گزاف و بیهوده نیست؛ زیرا امام حیات انسان را مشروط به استنشاق هوا کرده که امری مهم و حیاتی و از اموری است که نزد شارع از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. یکی از ابزارهایی که انسان براساس آن توانایی استنشاق هوا در ساختمان یا فضای آموزشی را دارد تعبیه پنجره می‌باشد.

طبق این استدلال اگر استنشاق هوا مستحب شود تعبیه پنجره با هدف استنشاق هوا مستحب می‌شود. اما اگر استنشاق هوا واجب باشد - که به نظر واجب است - و تنها راه برای خروج و ورود هوا تعبیه پنجره باشد حکم آن نیز واجب خواهد بود ولی اگر ابزار دیگری مانند به‌کارگیری سیستم تهویه، ممکن باشد تعبیه پنجره با هدف استفاده از هوای تازه مستحب خواهد شد.

جمع‌بندی

دو دلیل برای تعبیه پنجره به کار برده شد که حکم هر دو دلیل از طریق قاعده اعانه بر نیکی و برّ استنباط گردید. دو دلیل در مصداق نیکی و برّ تفاوت داشتند. در واقع مصداق نیکی در دلیل اول استفاده از نور و در دلیل دوم استنشاق هوای تازه بود و تعبیه پنجره در حقیقت اعانه

بر این مصادیق از نیکی است. بنابراین اگر دو روایت با یک دلیل بیانگر حکم هستند این پرسش مطرح می‌شود که چرا در روایت اول حکم به استحباب تعبیه پنجره و در روایت دوم حکم به وجوب جاسازی پنجره داده شد؟ آیا دو روایت یا یکدیگر تعارض دارند؟ اگر تعارض وجود دارد راه حل تعارض چیست؟ پاسخ این پرسش‌ها در مصداق نیکی و برّ است. در واقع تعارضی بین دو روایت وجود ندارد؛ بلکه تفاوت مصداق منجر به تفاوت حکم شده است؛ اگرچه در هر دو روایت با استناد قاعده اعانه بر نیکی، حکم تعبیه پنجره استنباط شده است. تقریب تفاوت حکم در دو روایت بدین صورت است که در روایت اول مصداق نیکی، استفاده از نور بود و بهره‌جویی از نور عملی مستحب است؛ زیرا اگر نور طبیعی وجود نداشت از نور چراغ می‌توان استفاده کرد. وقتی خود عمل نیک مستحب شد، تعبیه پنجره جهت استفاده از نور عملی مستحب می‌شود. اما در روایت دوم مصداق نیکی استنشاق هواست و همچنین حیات انسان نیز منوط به همین می‌باشد. از طرفی حیات انسان نزد شارع اهمیت بالایی دارد و بر همین اساس عمل دم و بازدم هوا واجب می‌شود. پس اگر استنشاق هوا منحصر به تعبیه پنجره باشد حکم جاسازی پنجره براساس قاعده اعانه بر برّ به‌منظور استنشاق هوا واجب است. اما اگر از طریق راهی دیگر مانند تعبیه دریچه ورود و خروج هوا یا سیستم تهویه، استنشاق هوا ممکن باشد تعبیه پنجره وجوبی ندارد؛ بلکه حکم استحباب را دارد؛ زیرا وجوب آن از طریق سیستم تهویه ممکن شده است.

نتیجه

نگرش فقهی به شاخصه رنگ براساس آیات و روایاتی این‌گونه تبیین شد که برخی رنگ‌ها مانند سیاه و سفید حکم مشخصی دارند اما نگاه به رنگ زرد خالص براساس آیه قرآن موجب سرور ناظرین است و با دو دلیل روایات ادخال سرور مؤمن و قاعده اعانه بر نیکی، حکم استحباب رنگ‌آمیزی فضای آموزشی به رنگ زرد برای مسئولان و ناظران تربیت ثابت گردید. رنگ سبز بر پایه آیه قرآن و روایاتی که سند آن‌ها ضعیف بود و با قاعده «ضم

احادیث ضعیف» به وثوق خبری رسید، این نتیجه را ارائه داد که این رنگ نزد شارع محبوبیت دارد و همین محبوبیت دال بر نیکی و برّ است و براساس قاعده اعانه بر نیکی، مستحب است که مربیان از رنگ سبز استفاده کنند. محبوبیت رنگ آبی نیز نزد شارع با روایت مفضل ثابت شد و با قاعده اعانه بر نیکی، حکم استحباب رنگ آمیزی فضای آموزشی به رنگ آبی استنباط گردید. حکم فقهی نور برای فضای آموزشی براساس موثقه السکونی این شد که کراحت دارد متربی وارد کلاسی بشود که در آن هیچ نوری وجود ندارد. اگر تاریکی باعث ترس و دلهره متربی می شود باید نور لازم جهت فراگیری دانش برای متربی را فراهم کنند اما اگر درسی باشد که نیاز به نور دارد در آن صورت ورود به کلاس بدون نور هیچ فایده ای ندارد و عبث و بیهوده است و باید نسبت به ورود متربی به این گونه کلاس ها حکم به حرمت داد. در مورد ساختن پنجره با دو دلیل از روایت مفضل روشن می شود که نور و هوا فواید بسیاری دارد و پنجره در حقیقت واسطه ورود نور و هوا را دارد و اگر نور و هوا استحباب دارد وجود پنجره نیز براساس قاعده اعانه نیز همان حکم را دارد؛ چنان که اگر وجود هوا موجب حیات باشد و راه ورود آن به کلاس، منحصر به پنجره باشد قرار دادن پنجره حکم وجوب پیدا می کند.

در بررسی فقهی می توان به محرک های بصری دیگری مانند پرده، نقشه، شکل و قالب ساختمان سازی و نقاشی های دیوار فضای آموزشی هم اشاره نمود که در فرایند یادگیری و حضور متربی در مدرسه بسیار تأثیرگذار است. توجه به نگرش فقهی باعث مسئولیت پذیری مربیان می شود؛ زیرا فقه با مکلف نمودن مربیان، آنان را ملزم به رعایت این شاخصه ها می کند. این احتمال وجود دارد که عدم نگرش فقهی به ساخت فضای فیزیکی آموزشی مناسب، به معنای حاکمیت نگاه اقتصادی است. درک اهمیت و اثربخشی جدی فضای مناسب آموزشی در تحقق و تأمین اهداف آموزشی می تواند دلیل مناسبی برای رجحان صرف هزینه در این زمینه باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- _____، *من لا یحضره الفقیه*، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *کشف المحجبة لثمرة المهجة*، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، *رجال ابن الغضائری*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- برقی، ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد، *رجال البرقی - الطبقات*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- بیان‌فر، فاطمه، حسن ملکی، علی‌اکبر سیف و علی دلاور، *تبیین اثر برنامه درسی پنهان مدارس بر بازده‌های عاطفی یادگیری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی به‌منظور آرایه مدل*، مطالعات برنامه درسی پنهان، شماره ۱۷، ۱۳۸۹.
- جلال‌الدین، سیوطی، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- سیدجواد، شهرام، فربرز، *تأثیر نور روز بر انسان (فرایند ادراکی و زیست‌شناسی-روانی روشنائی روز)*، مجله علمی پژوهشی صفه، دوره ۱۷، شماره ۴۶، ۱۳۸۷.
- حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام*، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *رجال العلامة - خلاصة الأقوال*، نجف، المطبعة الحیدریة، چاپ دوم، ۱۳۸۱ق.
- الحلی، ابن‌ادریس، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

خویی، سید ابوالقاسم، *اجود التقریرات*، تقریر درس خارج اصول آیت الله میرزا محمدحسین نائینی، قم، مطبعة العرفان، چاپ اول، ۱۳۵۲.

_____، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال*، بی جا، بی تا.
رحمت الله مرزوقی و همکاران، *مبنا و معنای برنامه درسی پنهان*، تهران، آوای نور، چاپ دوم، ۱۳۹۸.

سجادی، جعفر، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، کومش، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
شهیدی، جعفر و محمد معین، گروهی از نویسندگان، و علی اکبر دهخدا، *لغت نامه دهخدا*، تهران، روزنه، ۱۳۷۳-۱۳۷۲.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

صلیبا، جمیل، *المعجم الفلسفی بالألفاظ العربیة و الفرنسیة و الإنکلیزیة و اللاتینیة*، بیروت، الشركة العالمیة للکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

طباطبایان، مرضیه، فرح حبیب و احمد عابدی، *دیدگاه دانش آموزان دبیرستان های مطلوب و نامطلوب نسبت به رنگ فضای آموزشی و راه های بهبود کیفیت فضای تحصیلی*، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۳۸، سال نهم، تابستان ۱۳۹۰.

طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، *رجال الشیخ الطوسی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۷ ق.

علی رضا اعرافی، *فقه تربیتی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
کشی، ابو عمرو، محمد بن عمر بن عبد العزیز، *رجال الکشی*، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۹۰ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
مبارک بن محمد، *النهاية فی غریب الحديث و الأثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، بی تا.

محرك‌های بصری به‌عنوان شاخصه‌ای از تربیت پنهان در مدرسه از منظر فقه تربیتی □ ۱۹۳

- محمودی، کورش و امیر شکیبامنش، *اصول و مبانی رنگ‌شناسی در معماری و شهرسازی*، تهران، طحان، ۱۳۸۴.
- مسعودی‌نژاد، سپیده، *پنجره آسمان؛ واکاوی اثرات دید به آسمان بر کیفیت خانه شهری*، رساله دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۲.
- مسعودی‌نژاد، سپیده، *حق رؤیت؛ نقش دید پنجره در سلامتی شهروندان و جایگاه آن در خلق محیط‌های مسکونی*، مجله هفت شهر، شماره ۵۳-۵۴.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز الکتاب للترجمة و النشر، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
- المظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران، ادنا، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
- مفضل بن عمر، *توحید المفضل*، قم، چاپ سوم، بی‌تا.
- میرزایی، نجف‌علی، *شگفتی‌های آفرینش* (ترجمه توحید مفضل)، قم، انتشارات هجرت، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
- نجاشی، ابو الحسن، احمد بن علی، *رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- نوید ادهم، مهدی، *دیدگاه دانش آموزان دبیرستان‌های مطلوب و نامطلوب نسبت به رنگ فضای آموزشی و راه‌های بهبود کیفیت فضای تحصیلی*، تهران، پیام مدرسه، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۵.
- واسطی، زبیدی، حنفی، *محب‌الدین، تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر للطباعة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- وردیهیمی، شهرام و فربرز حاجی سیدجوادی، *تأثیر نور روز بر انسان (فرایند ادراکی و زیست‌شناسی-روانی روشنایی روز)*، مجله علمی پژوهشی صفا، دوره ۱۷، شماره ۴۶، ۱۳۸۷.
- Higgins, S., Hall, E., Wall, K., Woolner, P., McCaughey, C., "The Impact of School Environments: A literature review", The Centre for Learning and Teaching, School of Education, Communication and Language Science, University of Newcastle, (2005).
- Plant, C. G. H. The Light of Date, Light & Lighting 63;292-96., 1970.
- Ulrich r.s (1984), View through a window may influence recovery from surgery". Science 224.